

تحلیل نقش مدیریت محلی در کاهش آسیب پذیری کالبدی با رویکرد حکمروایی خوب (مطالعه موردی: دهستان بهمئی سرحدی غربی)

حمدالله سجاسی قیداری^{۱*}، یعقوب اسفیرم^۲ و مهناز رهبری^۳

تاریخ دریافت: ۲۸ آذر ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش: ۹ مرداد ۱۳۹۶

چکیده

مدیریت روستایی از جنبه‌های مختلف همواره جای مطالعه و بررسی دارد. یکی از این جنبه‌ها که نقشی مؤثر در فرآیند توسعه و تقویت عملکرد مدیریت روستایی دارد بررسی و تحلیل نقش مدیریت محلی در توسعه بعد فیزیکی و کاهش آسیب‌پذیری کالبدی مناطق روستایی همسو با توسعه پایدار است. از این رو هدف اصلی این پژوهش بررسی جایگاه مدیریت محلی و حکمروایی خوب در کاهش آسیب‌پذیری کالبدی است. بدین منظور با استفاده از نه شاخص حکمروایی خوب و هفت شاخص آسیب‌پذیری کالبدی که لازمه تحلیل نقش مدیریت محلی در کاهش آسیب‌پذیری کالبدی است، با روش توصیفی-تحلیلی و با سنجش کمی داده‌ها و با بهره‌گیری از مدل TOPSIS، آزمون T-TEST، آزمون پیرسون و رگرسیون چندگانه بررسی شده است. نتایج نشان داد که محدوده مورد مطالعه به لحاظ حکمروایی و آسیب‌پذیری کالبدی وضعیت مناسبی ندارد. نتیجه پژوهش حاضر بر این نکته تأکید دارد که بین حکمروایی خوب روستایی و توسعه کالبدی رابطه مستقیم و شدید وجود دارد و با پایین بودن سطح مدیریت محلی و حکمروایی خوب روستایی سطح توسعه کالبدی نیز پایین خواهد بود. همچنین آزمون رگرسیون چندگانه نشان داد که حکمروایی خوب در صورت عملی شدن می‌تواند بر بهبود شاخص‌های آسیب‌پذیری اثرگذار بوده و محیط پایداری را به لحاظ کالبدی فراهم آورد. آگاه‌ساختن جامعه روستایی از نظام فنی، تفویض اختیار و قدرت بیشتر به دهیاری‌ها، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی مردم و نهادهای محلی در توسعه مسکن از جمله پیشنهادهای کاربردی در این زمینه است.

کلمات کلیدی: مدیریت محلی، حکمروایی خوب، آسیب‌پذیری کالبدی، دهستان بهمئی سرحدی غربی

۱- استادیار گروه جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(*- نویسنده مسئول: Ssojasi@um.ac.ir)

مقدمه

اندیشه اداری و دانش مدیریتی و به‌ویژه هدایت و رهبری موضوعی است که همراه با زندگی اجتماعی انسان و حتی پیش از آن نیز مطرح بوده است (ژانگ و همکاران^۱، ۲۰۰۲). روستاها به‌منزله اولین واحدهای اجتماعی و مرکز استقرار و اسکان انسان‌ها، سازمان اجتماعی و مدیریت داشته‌اند. ولی به‌دلیل داشتن جمعیت‌های آسیب‌پذیر در نواحی روستایی اغلب قادر به تأمین سرویس‌های دسترسی ارائه‌شده توسط سطح بالاتری از دولت نیستند بنابراین تکیه بر جوامع و مدیریت محلی برای تأمین نیازهای اساسی مقوله‌ای مهم به‌شمار می‌رود. مدیریت روستایی از جنبه‌های مختلف همواره جای مطالعه و بررسی دارد. یکی از این جنبه‌ها که نقشی مؤثر در فرآیند توسعه و تقویت عملکرد مدیریت روستایی دارد بررسی و تحلیل نقش مدیریت محلی در توسعه بعد فیزیکی و کاهش آسیب‌پذیری کالبدی مناطق روستایی همسو با توسعه پایدار می‌باشد. پیوند ابعاد پایداری به‌ویژه پایداری اجتماعی، نهادی، اقتصادی و محیطی، مسئله‌ای بسیارمهم در برنامه‌ریزی توسعه پایدار مناطق روستایی است و اصولاً کالبد سکونتگاه‌های روستایی بستری برای عملکرد اقتصادی و اجتماعی آن‌ها محسوب می‌شود بنابراین تحول و ساماندهی کالبدی نخستین گام به‌منظور ارتقای عملکرد سکونتگاه‌ها است. آن‌چه که در این میان ضرورت توجه به بعد کالبدی را محرز می‌سازد، نابسامانی وضع کالبدی مناطق روستایی و آسیب‌های وارده به آن است که به‌واسطه توجه ضعیف به مدیریت محلی و حکمروایی مطلوب و در نظر نگرفتن جوامع و نهادهای محلی به‌عنوان مهم‌ترین ذی‌نفعان در تهیه و اجرای طرح‌های مختلف توسعه‌ای در مناطق روستایی می‌باشد (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۱). متأسفانه در اغلب کشورهای درحال-توسعه این موضوع به‌لحاظ نظام متمرکز دولتی، ضعف شدید مدیریت محلی و نهادهای مدنی و غیره مورد بی‌توجهی قرار گرفته و با افزایش وظایف تصدی‌گرایانه دولت، رشد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و فضایی این کشورها به‌سمت منفی گرایش داشته‌است. کشور ما نیز از این وضعیت به دور نبوده و نظام برنامه‌ریزی و مدیریت ما را نیز تحت تأثیر قرار داده‌است. به‌گونه‌ای که جوامع محلی و نهادهای برخواسته از آن در بسیاری از فعالیت‌های توسعه‌ای درخصوص محیط زندگی خود به‌ویژه اداره محیط روستا در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، محیطی، کالبدی و غیره چندان مشارکت فعال نداشته و برانگیخته نمی‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، انگیزش و محرک‌های متنوعی چون اثربخش کردن برنامه‌ها و یا کارآمد کردن آن‌ها، دستیابی به عدالت مکانی و انسانی و توانمندسازی روستاییان با حداکثر دخالت دولت و بخشی‌نگری برنامه‌ریزی‌ها نادیده‌گرفته شده‌است (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۱). در این ارتباط کارآمدی مدیریت محلی روستایی در ارتباط با نحوه تأثیرگذاری و اتخاذ رویه‌ها و سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها و نقش آن در شتاب‌بخشی به فرآیند حکمروایی روستایی یکی از عوامل مؤثر در کاهش آسیب‌های کالبدی سکونتگاه‌های روستایی است. ماهیت فعالیت‌های مدیریت محلی در بعد برنامه‌ریزی کالبدی و کاهش آسیب‌های ناشی از آن در مناطق روستایی، نیروی انسانی و مدیرانی می‌طلبد که افزون بر دانش، بینش و مهارت فنی لازم، از دانش، بینش و مهارت ارتباطی، اجتماعی و مشارکتی در قالب رویکرد حکمروایی خوب نیز برخوردار باشند تا بتواند با شکل‌دادن گروه‌های فکری و کاری مشارکتی و باور توان مردم و نهادهای مردمی روستایی به‌عنوان یک عنصر راهبردی و هم‌چنین روان‌سازی و تسهیل-گری امر مشارکت در فرآیند اجرای طرح‌های توسعه کالبدی و ایجاد ارتباط مناسب میان نیازهای واقعی ساکنین

محلی و رویکردهای برنامه‌ریزان و طراحان (گانی و دانکن^۱، ۲۰۰۷)، تلاش مدیران روستایی در ایجاد و نهادینه کردن تشکلهای و نهادهای مردم‌نهاد روستایی و ذی‌نفع‌ها و مشارکت بیشتر مردم در تصمیم‌گیری‌های توسعه پایدار جوامع محلی، نقش اساسی را در کارایی و اثربخشی برنامه راهبردی توسعه کالبدی روستاها و کاهش آسیب‌های کالبدی ناشی از مدیریت نادرست روستایی از جمله شبکه خیابان‌ها، کاربری اراضی، ارتباطات و حمل‌ونقل، تأسیسات و تجهیزات زیربنایی، بافت‌های مسکونی و سایر بخش‌های تشکیل‌دهنده روستا (پورطاهری و نقوی، ۱۳۹۱) داشته‌باشد (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰). بنابراین تحقق سبک و شیوه مدیریت امور محلی و روستایی در قالب دهیاری‌ها و شوراهای که از آن به‌عنوان حکم‌رانی یاد می‌شود، منوط به شکل‌گیری یک مجموعه روابط رسمی و ساختارهایی از قبیل قانون‌مداری، چارچوب‌های حقوقی مدون و مشخص، تعریف و تعیین حدود رژیم‌های سیاسی، توانمندسازی و تفویض قدرت مؤثر اقتصادی و سیاسی به روستاییان با استفاده از مشارکت (بارکر^۲، ۲۰۰۰)، ایجاد فرهنگ شفافیت و مسئولیت در فعالیت‌های مدیران و مسئولان روستا و پاسخگو نگه‌داشتن مدیران و مسئولین در قبال سیاست‌ها و عملکردهای آن‌ها (ریست و همکاران^۳، ۲۰۰۷)، درک نیازها و خواسته‌های مردم روستایی از سوی مسئولان و مدیران و واکنش و پاسخ مناسب مدیران به روستاییان و درنهایت تعیین سطوح تمرکززدایی و فراهم کردن زمینه مشارکت همگانی در امور تصمیم‌گیری راجع به خطی‌مشی‌ها و توسعه روستایی به‌ویژه در ابعاد کالبدی و فیزیکی است. بنابراین با توجه به مباحث مطرح‌شده در ارتباط با بحث مدیریت محلی و حکم‌روایی مطلوب در راستای توسعه ابعاد مختلف مناطق روستایی به‌ویژه فضاهای کالبدی و فیزیکی و تلاش در جهت کاهش آسیب‌های وارده به نظام کالبدی مناطق روستایی به‌واسطه اثربخش کردن برنامه‌های توسعه‌ای و برقراری نوعی مدیریت سازمان‌یافته و با کارکرد مؤثر از طریق برقراری شاخص‌های حکم‌روایی خوب، این پژوهش در نظر دارد با پرداختن به ابعاد مختلف فیزیکی و کالبدی روستا اعم از شبکه خیابان‌ها، کاربری اراضی، ارتباطات و حمل‌ونقل، تأسیسات و تجهیزات زیربنایی، بافت‌های مسکونی و سایر بخش‌های تشکیل‌دهنده روستا به بررسی چگونگی کاهش آسیب‌پذیری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی از طریق به-کارگیری رویکرد حکم‌روایی خوب توسط مدیران محلی بپردازد. بنابراین در این جا این سؤال مطرح می‌شود که مدیریت محلی در قالب دو نهاد شوراهای اسلامی روستا و دهیاری‌ها، چگونه می‌تواند از طریق پیاده‌سازی اصول حکم‌روایی خوب، منجر به کاهش آسیب‌های کالبدی و فیزیکی سکونتگاه‌های روستایی گردد؟

سکونتگاه‌های روستایی به مثابه واحدهای تماس و تبادل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آینه تمام‌نمایی از مناطق روستایی هستند. این واحدها (سکونتگاه‌های روستایی) که نمایانگر ریخت‌شناسی اکولوژیکی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از مهندسی تعامل انسان روستایی با زیست‌جغرافیایی سرزمین در قلمروهای روستایی هستند نوعی چیدمان و آرایش عمودی و ابعاد خانه‌ها و آرایش افقی، بافت‌های مسکونی، تأسیسات و تجهیزات زیربنایی، شبکه خیابان‌ها و غیره را شکل داده‌اند و این نوع چیدمان و آرایش به‌صورت زنجیروار و در ارتباط با هم نوعی هدف کامیابی، خوشبختی و سلامتی را ترسیم می‌کنند. این اهداف در کنار شکل‌گیری ساختار و کارکرد سکونتگاه‌ها نه فقط نشان از برنامه

1- Gani and Duncan
2- barker
3- Rist et al

ریزی کالبدی در جامعه روستایی است، بلکه نشان از نوعی مدیریت و برنامه‌ریزی روستایی نیز است. با این توصیف بحث عوامل نهادی و مدیریت در توسعه و برنامه‌ریزی کالبدی در جهت کاستن از آسیب‌های کالبدی و فیزیکی برای درک وضعیت موجود پایداری در روستاها اجتناب‌ناپذیر است (بدری و همکاران، ۱۳۹۰) در سال‌های اخیر توجه به برنامه‌ریزی و مدیریت کالبدی سکونتگاه‌های روستایی به‌منظور یافتن مطلوب‌ترین وضعیت سازگاری بین فضا و جامعه، در دستور کار سازمان‌ها و نهادهای توسعه روستایی قرار گرفته است. بر این اساس تمام فعالیت‌های منسجم و منظمی که به‌منظور سامان‌دهی و بهسازی محیط کالبدی سکونتگاه‌های روستایی انجام گرفته، مورد توجه برنامه‌ریزان و مدیران واقع شده است (علی‌الحسابی و عبدمجیدی، ۱۳۹۰). آن‌ها می‌کوشند تا بستر مناسبی برای کاهش آسیب‌های کالبدی و همچنین توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی فراهم‌آورند و می‌کوشند تا رویکرد مناسبی برای توسعه مناطق روستایی، شناسایی فرصت‌ها، چالش‌ها، نقاط قوت و ضعف و امکانات توسعه همه‌جانبه و پایدار کالبدی در عرصه‌های روستایی و نیز رویکردها و سیاست‌های مدیریت روستایی با تأکید بر توسعه کالبدی در برنامه‌های خود قرار دهند. توسعه کالبدی و همچنین کاهش آسیب‌های کالبدی و زیرساختی مناطق روستایی نیازمند یک مدیریت جدید و رویکردی جدید در مدیریت توسعه کالبدی و محلی است و الگوی حکمروایی خوب به عنوان رویکردی مناسب که زمینه و امکانات دخالت مردم در فرآیند برنامه‌ریزی از تصمیم‌گیری تا اجرا را فراهم می‌سازد و هدف نهایی آن توسعه پایدار است الگوی مناسبی برای هدایت و مدیریت توسعه کالبدی در مناطق روستایی است (بدری و همکاران، ۱۳۹۲). حکمروایی روستایی عمدتاً با رویکرد سرزمینی و در بستر توسعه پایدار به انجام می‌رسد و از آن‌جاکه محیط کالبدی بستر مناسبی برای توسعه پایدار فراهم می‌آورد، اتخاذ یک رویکرد نظام‌مند که همانا برقراری حکمروایی مطلوب در مناطق روستایی می‌باشد امری حیاتی است (پورطاهری و نقوی، ۱۳۹۱). رویکرد حکمروایی روستایی به مدیریت را می‌توان نقطه اوج علم مدیریت روستایی دانست زیرا که این رویکرد با تأکید بر هویت محلی و مدیریت محلی، میدان عمل روستاییان و نهادهای محلی را وسیع و قدرت عمل آن‌ها را افزایش می‌دهد (کارلسون و برکز^۱، ۲۰۰۵). در واقع هویت محلی مبنای اصلی محلی‌گرایی و اداره محلی امور جامعه در قالب عنوان مدیریت محلی است، واژه‌ای که در بطن آن تمرکززدایی، خودگردانی، مشارکت محلی، مشروعیت محلی، توسعه محلی و خوداتکایی محلی نهفته است. این رهیافت تلاشی است برای یافتن راه‌حل‌های جدید برای ضعف‌ها و شکست‌های ناشی از رهیافت‌های از بالا به پایین در فرآیند توسعه روستایی و تأکید می‌کند بر توانمندی جوامع محلی و نقش مستقیمی که باید در فرآیند توسعه جامعه خویش همراه با بخش دولتی و سازمان‌های غیردولتی داشته باشند. حکمروایی روستایی به‌عنوان فرآیندی نوین در حکومت با دارا بودن شاخص‌های خاص خود می‌تواند مباحث نوینی در زمینه مدیریت روستایی مطرح‌کند و سبب توانمندسازی ساکنین و همچنین نهادهای محلی روستایی در زمینه‌های متفاوت مدیریت اعم از تصمیم‌سازی، اجرا و ارزیابی گردد (موریسون^۲، ۲۰۱۴). بنابراین رویکرد حکمروایی روستایی مبنایی مطلوب در روند توسعه پایدار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فضایی و سرزمینی و مدیریت نوین روستایی کشور می‌باشد (کاردوس^۳، ۲۰۱۲). حکمروایی خوب روستایی با شاخص‌ها و مؤلفه‌های خاص خود نظیر مشارکت، عدالت و غیره بیانگر توانایی لازم برای

1- Carlsson and Berkes
2- Morrison
3- Kardos

اصلاحات اساسی در نواحی روستایی به‌ویژه در بعد کالبدی مناطق روستایی است (رحمانی فضلی و همکاران، ۱۳۹۳). در این رویکرد، دولت‌ها به‌جای آن‌که به تنهایی مسئولیت کامل اداره امور را برعهده گیرند، باید در کنار ساکنان و بخش خصوصی به‌عنوان یکی از نهادها و عوامل مسئول اداره جامعه محسوب شوند (گروس و روبک^۱، ۲۰۱۵). با در-نظرگرفتن روستاییان در عرصه تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری، فرآیند اداره روستا از یک نظام آمرانه و اقتدارگرا به فرآیندی مردم‌سالار و مشارکتی تبدیل خواهد شد و بسترهای متفاوت و ظرفیت‌های جدید در اداره امور روستاها به-وجود خواهد آمد. الگویی که از طریق جلب مشارکت و همیاری تمام نیروهای عملکردی و تمام سطوح جغرافیایی و جایگزینی هم‌گرایی به‌جای تفرق و واگرایی بتواند زمینه توسعه پایدار و سازمان‌فضایی-کالبدی کارآمد در نواحی روستایی را فراهم کند (دربان آستانه و رضوانی، ۱۳۹۰). در همین ارتباط و به دلیل تفاوت‌های مکانی-فضایی سکونتگاه‌های انسانی و بومی‌گرابودن توسعه، مدیریت غیرمتمرکز و چندسطحی همراه با سازماندهی مردم روستایی در تشکلهای مدنی کوچک، به‌نوعی از حکمروایی خوب روستایی منجر می‌شود که در آن توانایی‌ها، خلاقیت‌ها و استعدادهای روستاییان شکوفا شده به پایداری محیطی، اجتماعی، اقتصادی و کالبدی نواحی روستایی منجر می‌شود و بر همین اساس، نمونه مطلوب سیاست‌های پایداری محلی در قالب شیوه‌نویسی تعریف می‌شود که بر مبنای مشارکت حداکثری روستاییان، دموکراسی، مشروعیت و حمایت از مشارکت مردم روستایی در چارچوب دهیاری‌ها، شوراهای محلی و مدیریت محلی تحقق می‌یابد (عظیمی آملی و افتخاری، ۱۳۹۳). حکمروایی روستایی به واسطه دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی روستا به نوعی بستر برای توسعه روستایی محسوب می‌شود. برخی از صاحب-نظران معتقدند که تحقق سبک و شیوه مدیریت امور محلی و روستایی در قالب نهادهای نامبرده که از آن به‌عنوان حکمرانی یاد می‌شود، منوط به شکل‌گیری یک مجموعه روابط رسمی و ساختارهایی از قبیل قانون‌مداری، چارچوب-های حقوقی مدون و مشخص، تعریف و تعیین حدود رژیم‌های سیاسی، ایجاد فرهنگ شفافیت و مسئولیت در فعالیت-های مدیران و مسئولان روستا و پاسخگو نگاه‌داشتن مدیران و مسئولین در قبال سیاست‌ها و عملکردهای آن‌ها (ریست و همکاران^۲، ۲۰۰۷)، درک نیازها و خواسته‌های مردم روستایی از سوی مسئولان و مدیران و واکنش و پاسخ مناسب مدیران به روستاییان و درنهایت تعیین سطوح تمرکززدایی و فراهم کردن زمینه مشارکت همگانی در امور تصمیم‌گیری راجع به خطی‌های محلی و توسعه روستایی است (نصیری، ۱۳۹۴) درحقیقت مسئولان محلی نزدیک‌ترین سطح حکمرانی به مردم محسوب می‌شوند و نقش حیاتی در آموزش و تحرک مردم روستایی دارند و در قبال الزامات کالبدی و محیطی، توسعه اقتصادی و اجتماعی و خدمات روستایی مسئولیت‌هایی دارند و برای پیشرفت عمومی توسعه پایدار، پاسخگو و حساس هستند (فورمنکیس و مکن والش^۳، ۲۰۱۶). آنها همچنین به ایجاد و نهادینه کردن انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی و ذی‌نفع‌ها مبادرت می‌کنند تا مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های توسعه پایدار جوامع محلی تحقق یابد. بر این اساس برنامه‌ریزی توسعه پایدار جوامع محلی مبتنی بر مدل حکمروایی خوب چارچوب پیشنهادی مناسب و در دسترس برای مدیران و مسئولان محلی است که آنان را قادر می‌سازد تا به توسعه پایدار محلی و روستایی به‌ویژه در بعد کالبدی و فیزیکی دست یابند (لانگ و همکاران^۴، ۲۰۱۱). بر این اساس می‌توان گفت الگوی

1- Gross and Zrobek

2- Rist et al

3- Furmankiewicz and Macken-Walsh

4- Long et al

حکمروایی خوب روستایی شیوه نوین مدیریتی و اداره جامعه به شیوه مردم‌سالارانه است که در جهت حاکمیت، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی و شفاف‌سازی تلاش می‌کند و می‌تواند توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی را تحقق بخشد. حکم‌روایی خوب با دخالت‌دادن مردم در فرآیند برنامه‌ریزی آن‌ها را از افراد منفعل به افراد فعال تبدیل کرده است و با دخیل کردن مردم در مسائل مربوط به خودشان و سرنوشتشان و هم‌چنین رسیدن به توافق جمعی و اجماع و با در نظر گرفتن منافع همه افراد و گروه‌ها به دنبال ایجاد سازمان‌های مبتنی بر جوامع محلی به‌عنوان بستری برای تسهیل مشارکت فعال افراد محلی می‌باشد (المینوفی^۱، ۲۰۱۴)، بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که مفهوم حکم‌روایی می‌تواند کلید حل معمای توسعه کالبدی روستایی، افزایش سطح کیفی سکونتگاه‌های روستایی و کیفیت زندگی روستاییان و رفع نیازهای اساسی آنان به خصوص دسترسی به خدمات و امکانات باشد. هم‌چنین حکم‌روایی روستایی به حمایت از حقوق قانونی و مشروع روستاییان اعم از آزادی بیان، آزادی فعالیت‌های متنوع برخاسته است. چنین رویکردی الزامات توسعه پایدار روستایی بخصوص توسعه کالبدی را فراهم می‌آورد، چرا که در حکم‌روایی خوب با تبدیل نقش انفعالی مردم به نقش فعال و به صحنه آوردن مردم در فرآیند برنامه‌ریزی و مشارکت مردم و تسهیل کردن آن توسط مدیریت فراگیر و همه شمول روستایی منجر به توسعه کالبدی خواهد شد (اسفرم، ۱۳۹۳). این عاملی خواهد بود برای برخورداری عادلانه از منابع و منافع قدرت برای همگان که مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی را در پی خواهد داشت. به موازات این امر شفافیت در کارها و امور افزایش یافته و صداقت و اخلاقیات در دادن اطلاعات مفید علمی و منطقی خود را بروز می‌دهند. درنهایت کار آبی و اثربخشی و عملکرد بالا می‌رود. مجموعه این عوامل به ارتقاء توسعه ظرفیتی، توسعه نهادی، توانمندی روستاییان و در نتیجه ابعاد پایداری به ویژه سطح کیفی ابعاد کالبدی ختم می‌شود (بدری و همکاران، ۱۳۹۰).

پیشینه تحقیق

بررسی‌ها نشان می‌دهد تاکنون مطالعات و تحقیقات بی‌شماری در زمینه مدیریت روستایی و ارزیابی عملکرد آن و نیز نقش مدیران محلی در توسعه روستایی انجام شده است. تحقیقات مرتبط با بعد کالبدی سکونتگاه‌های روستایی نیز عموماً به بررسی و ارزیابی آثار طرح‌های بهسازی و هادی روستایی معطوف و محدود است. از این رو ملاحظه می‌شود که نقش مدیریت محلی در توسعه سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر توسعه کالبدی آن موضوعی است که کمتر بدان پرداخته می‌شود.

مامن یوسف^۲، فریح احسان^۳ و عبیدالهی^۴ در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر اعتماد شهروندان در پاکستان در سال ۲۰۱۵» به این نتیجه رسیدند که در ارتباط با تأثیرات حکم‌روایی خوب بر اعتماد شهروندان در پاکستان، نشان داده‌است که رابطه علی‌مبته بین حکم‌روایی خوب و اعتماد شهروندان نسبت به حکومت و تعدیل اقدامات غیراخلاقی و منفی در حاکمیت وجود دارد. در همین رابطه المنوفی^۵، حمید البلالی^۱ و سنيسا برجان^۲ در

1- Elmenofi et al
2- Momna Yousaf
3- Freeha Ihsa
4- Abida Ellahi
5- Elmenofi

پژوهشی با عنوان «حکمرانی و توسعه روستایی در مصر در سال ۲۰۱۴» به این نتیجه رسیدند که ارتباط با حکمروایی و توسعه روستایی در مصر نشان داده است که استراتژی‌های توسعه روستایی در مصر نیاز به ساختاری همراه با یکپارچگی و تشریک مساعی همه بازیگران و ذی‌نفعان در عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی در جهت رسیدن به اهداف توسعه روستایی و در نهایت توسعه اجتماعی-اقتصادی حقیقی، امنیت غذایی و کاهش فقر دارد. در پژوهشی با عنوان «سنجش حکمروایی خوب در اکوسیستم‌های پیچیده: ادراکات جوامع وابسته به صخره‌های مرجانی در کاراییب در سال ۲۰۱۴» ترنر و همکاران^۳ به این نتیجه رسیدند که در ارتباط با نقش حکمروایی خوب در مدیریت منابع طبیعی و کاهش فشارهای انسانی، نشان داده است که ترکیبی از ساختارهای حمایتی و فرآیندها در جهت رسیدن به سیستم حکمروایی خوب نیاز می‌باشد که در جهت و متناسب با ادراکات و تصورات اعضای جامعه، ذی‌نفعان و شرایط محلی باشد. مایکل کاردوز^۴ در مقاله‌ای با عنوان، بازتاب حکمروایی خوب در استراتژی‌های توسعه پایدار در سال ۲۰۱۲ به این نتیجه رسید که در ارتباط با نقش حکمروایی خوب در استراتژی‌های توسعه پایدار نشان داده است حکمروایی خوب و استراتژی‌های پایین به بالا عملکرد خوبی را در راستای توسعه پایدار از خود نشان داده است اما باز هم آن‌چه که بیشتر خودنمایی می‌کند علاقه مردمی و مشارکت آن‌ها به منظور افزایش تشریک مساعی و هماهنگی‌های بیشتر در ارتباط با ادغام استراتژی‌های بالا به پایین و پایین به بالا در جهت رسیدن به توسعه پایدار می‌باشد.

در مطالعات داخلی، بدری و همکاران در پژوهش خود تحت عنوان «نقش مدیریت محلی در توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان آران و بیدگل در سال ۱۳۹۲»، بر نقش‌آفرینی و تأثیرگذاری مدیریت محلی در توسعه کالبدی روستایی تأکید می‌کند و بیان می‌کند که به رغم غیرمشارکتی بودن فرآیند تهیه و اجرای طرح‌های کالبدی روستایی، به دلیل تأثیرگذاری نتایج حاصل از اجرای طرح‌هایی مانند طرح هادی در زندگی ساکنان روستا و حساسیت مدیریت محلی (شوراهای اسلامی و دهیاری) برای انجام دادن وظایف قانونی، دخالت آنان نه فقط در مرحله اجرا، بلکه در فرآیند تهیه و تصویب طرح‌های کالبدی ضرورت تام دارد. ریاحی و کرمی‌نسب (۱۳۹۲) در پژوهش خود تحت عنوان «ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی بخش کردیان شهرستان جهرم» به این نتیجه رسیده‌اند که از دیدگاه دهیاران، تغییرات چشمگیری در روستاها در شاخص‌های کیفیت ساخت-وساز و تثبیت و سنددار شدن املاک روستا صورت گرفته و در زمینه شاخص‌های اداری-نظامی و خدمات آموزشی تغییرات اندکی مشاهده می‌شود. از دیدگاه خانوارهای ساکن روستا، در بررسی عملکرد دهیاران، بهسازی و مقاوم‌سازی مسکن و کیفیت خدمات عمومی روستا، ثبت و مکان‌یابی خدمات و تأسیسات منفی بوده است.

پورطاهری و نقوی (۱۳۹۱)، در پژوهشی تحت عنوان «توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با رویکرد توسعه پایدار (مفاهیم، نظریه‌ها و راهبردها) بیان کرده است که با توجه به مشکلات ساختاری-کارکردی مناطق روستایی، هم-چنان توسعه سکونتگاه‌های روستایی در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی بدون در نظر گرفتن رویکردهای

1- Hamid El Bilali
2- Sinsa Berjan
3- Turner et al
4 - Mihaela Kardos

توسعه پایدار بوده چرا که سکونتگاه‌های روستایی با شدت و ضعف متفاوت با چالش‌هایی نظیر فقر، نابرابری درآمدی، مهاجرت‌های روستایی و تخلیه روستاها، غفلت از مدیریت کالبدی و فضایی و آسیب‌پذیری بالای سکونتگاه‌های روستایی روبه‌رو هستند و ارتباط بین رویکردهای پایدار و توسعه کالبدی بسیار کم‌رنگ است. دربان‌آستانه و رضوانی در پژوهشی تحت عنوان «تبیین عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی در حکومت‌های محلی (شهرستان قزوین) در سال ۱۳۹۰»، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی را، درجه دهیاری، جمعیت روستا، رضایت شغلی و سطح تحصیلات دهیار، سبک مدیریت، انسجام اجتماعی، تعامل مؤثر با دهیاری‌های مجاور و تجربه دهیار مطرح کرده است و میانگین نمایه حکمروایی روستایی در ۵۰ درصد حکومت‌های محلی را (دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی) در وضعیت نامناسب ارزیابی کرده است.

مواد و روش

روش‌شناسی تحقیق که روش مناسب هر پژوهش را بر اساس موضوع تحقیق و طرح آن انتخاب می‌کند، از مهم‌ترین بخش‌های فرآیندهای پژوهش است. انتخاب روش تحقیق بستگی به اهداف و ماهیت موضوع و پژوهش و امکانات اجرایی آن دارد (سجاسی‌قیداری و همکاران، ۱۳۹۴). روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات میدانی و تکمیل پرسشنامه و به لحاظ ماهیت از نوع کاربردی است. داده‌های مورد استفاده در دو سطح کتابخانه‌ای و سطح میدانی، پرسشنامه و مشاهده جمع‌آوری گردیده است. به طوری که به منظور تبیین نقش حکمروایی خوب روستایی در مقاوم‌سازی و کاهش آسیب‌پذیری کالبدی در سطح روستاهای منطقه مورد مطالعه با توجه به مبانی نظری تبیین‌کننده و پیشینه تحقیق، اقدام به تهیه و تدوین پرسشنامه براساس گویه‌های جدول ۱ و ۲ مطابق با طیف لیکرت گردید.

برای عملیاتی‌سازی شاخص‌های مطالعه، اقدام به انتخاب دهستان بهمئی سرحدی غربی به‌عنوان منطقه مورد مطالعه گردید. این دهستان در استان کهگیلویه و بویراحمد، شهرستان کهگیلویه و بخش دیشموک قرار گرفته است و بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۹۰ دارای ۲۶ روستا می‌باشد که از این تعداد ۱۶ روستا بالای ۲۰ خانوار و ۱۰ روستا کمتر از ۲۰ خانوار جمعیت دارند. جمعیت این دهستان بر اساس سال شماری سال ۱۳۹۰، ۶۵۵۳ نفر می‌باشد (اسفرم، ۱۳۹۳). از روستاهای کل دهستان، نقاط روستایی بالای ۲۰ خانوار که تعداد آن‌ها ۱۶ روستا بود به‌عنوان روستاهای مورد مطالعه انتخاب شده‌اند (شکل ۱). سپس حجم نمونه از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده با فرمول کوکران محاسبه شده است که از مجموع ۱۲۲۰ خانوار این روستاها با خطای ۰/۰۵ درصد حجم نمونه ۲۵۵ به‌دست آمده (برای حصول نتیجه بهتر به ۳۰۰ خانوار افزایش یافت) که نسبت به سهم و حجم نمونه خانوارهای هر روستا تعداد نمونه محاسبه شده است. ابزار گردآوری داده‌ها از نوع پرسشنامه محقق‌ساخت، طیف لیکرت بین «خیلی کم ۱ تا خیلی زیاد ۵» که به صورت تصادفی در روستاهای نمونه کامل شد. آزمون روایی صوری و محتوایی پرسشنامه پژوهش نیز بعد از بررسی اسنادی و ادبیات نظری، جهت پایایی و قابلیت اعتماد ابزار با استفاده از نرم افزار SPSS آزمون آلفای کرونباخ مورد آزمایش قرار گرفت و به قرار جدول ۳ می‌باشد؛ که با توجه به بیشتر بودن ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۷۰۰ قابل قبول و مناسب است.

جدول ۱- شاخص های آسیب پذیری کالبدی روستایی

مؤلفه	شاخص	گویه
رعایت اصول و ضوابط فنی		پی کنی و پی ریزی ساختمان، استفاده از شناژ و کیفیت آن، بندکشی ضربدری بین ستون ها، اسکلت بندی و جوشکاری اتصالات، رعایت اصول دیوار چینی، استفاده از بتن استاندارد، سقف ریزی مناسب و اتصال آن به دیوارها، سبک بودن وزن سقف، توجه به استقامت بستر مسکن، رعایت نقشه ارائه توسط مهندسان بنیاد مسکن.
انتخاب مصالح		میزان دسترسی و استفاده از مصالح بادوام، میزان استفاده از مصالح موجود در محل، سبک سازی سقف با استفاده از مصالح مقاوم، نحوه استفاده ترکیبی از مصالح محلی و صنعتی، نوع و کیفیت نمای مسکن رضایتمندی از استحکام بنا، رضایت از الگوی طراحی مسکن، مالکیت و خرید زمین با کاربری مسکونی در محل امن، ارتقای سطح ایمنی در برابر زلزله، دسترسی به فضاهای باز، استفاده از یافته های جدید در مقاوم سازی مسکن.
مدیریت و نظارت		مشورت با مهندسان و صاحبان فن در مکان گزینی مسکن، همکاری با مهندسان و معماران مورد تأیید بنیادمسکن، پذیرش نقش نظارتی نهادهای محلی، رعایت اصول مرتبط با معابر در ساخت مسکن، توجه به جهات و موانع توسعه مطرح در طرح هادی، بهره مندی از نظارت مرحله به مرحله مهندسان بنیاد، هزینه های ساخت مسکن و تأمین آن.
آسایش در مسکن		احساس امنیت در مسکن، بهبود استانداردهای زندگی، بیمه مسکن، رعایت اصول بهداشتی، سیستم روشنایی و تهویه و گرمایش، همخوانی مسکن با نیازهای ضروری ساکنین، همخوانی مسکن با فعالیت خانوار، رضایت از وجود زیرساخت ها و امکانات، وجود امکانات ضروری در داخل مسکن
همجواری با کاربری های سازگار و ناسازگار		میزان همجواری با مدرسه، میزان همجواری با مسجد، میزان همجواری با بقالی، همجواری با اماکن پر سرو صدا، همجواری با محل دفن زباله، همجواری با قبرستان، همجواری با محل تجمع فضلاب های جاری در کوچه.
تسهیلات زیرساختی و ساختمانی		میزان دسترسی به آب، میزان دسترسی به برق، میزان دسترسی به مواد سوختی (نفت و گاز)، میزان دسترسی به تلفن، وضعیت برخورداری از سیستم گرمایشی، وضعیت برخورداری از سیستم سرمایشی، دسترسی به وسایل ارتباط جمعی.

در این پژوهش به منظور تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها از آزمون های t-test تحلیل واریانس یک طرفه، آزمون tukey، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون و هم چنین مدل تاپسیس برای محاسبه فاصله و سطح حکم-روایی خوب روستایی و آسیب پذیری کالبدی در بین روستاهای مورد مطالعه استفاده شده است. تاپسیس به عنوان یک روش تصمیم گیری چندشاخصه، روشی ساده ولی کارآمد در اولویت بندی محسوب می گردد. این روش در سال ۱۹۹۲ توسط چن و هوانگ با ارجاع به کتاب هوانگ و یون در سال ۱۹۸۱ مطرح شده است (علوی و همکاران، ۱۳۹۲).

اساس این تکنیک، بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی، باید کمترین فاصله را با راه حل ایده آل مثبت (بهترین حالت ممکن) و بیشترین فاصله را با راه حل ایده آل منفی (بدترین حالت ممکن) داشته باشد. فرض بر این است که مطلوبیت هر شاخص به طور یکنواخت افزایشی یا کاهش می یابد. حل مسئله با این روش مستلزم شش گام زیر است:

۱- کمی کردن و بی مقیاس سازی ماتریس تصمیم (N): برای بی مقیاس سازی، از بی مقیاس نورم استفاده می-

شود.

جدول ۲- شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی

مؤلفه	شاخص	گویه
مشارکت	مشارکت	تبادل نظر و مشورت، کمک در اجرای درست طرح‌های توسعه کالبدی، تقویت نهادهای مدنی در روستا، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مهم مرتبط با روستا، مشارکت در کارهای عام‌المنفعه، همکاری و مشارکت در اجرای پروژه‌ها.
		کارآمدی قوانین و مقررات ناظر بر عملکرد مسئولین روستایی، کارآمدی قوانین ناظر بر ساخت‌وساز روستایی، توجه به حقوق گروه‌های ضعیف و در حاشیه، توجه به عدالت و قانون‌مندی در اجرای طرح‌ها، آگاهی نسبت به قوانین توسعه کالبدی، احترام به حقوق اهالی روستا.
شفافیت	شفافیت	درمیان گذاشتن مسائل کالبدی روستا با همه گروه‌ها، ارائه عملکرد شفاف از سوی مسئولین روستایی، توجه به کارهای شراکتی و جمعی، توجه به نتایج کار فردی و جمعی، همفکری و همسویی مردم با مدیران و مسئولان، همسویی و همفکری با سایرمدیران و مردم سایر روستاها، تعامل بین نهادهای اجتماعی با نهادهای خصوصی و دولتی، توجه به منافع اکثریت گروه‌ها.
		واگذاری اختیارات از سوی مسئولین به افراد محلی، تشویق و ترغیب به سوی مسئولیت‌پذیری در روستا، میزان مسئولیت‌پذیری مدیران روستایی، اعتقاد به دخالت دولت در امور روستاها، توجه به خطاها و اشتباهات، اثرگذاری نظرات گروه‌های صاحب‌نفوذ در اجرای قوانین.
حکمروایی خوب روستایی	عدالت و برابری	توزیع عادلانه خدمات و امکانات در سطح روستا، رعایت انصاف و عدالت، فرصت‌های یکسان و برابر برای همه گروه‌ها برای رسیدن به خدمات، اجرای طرح‌های در زمان معین، ترجیح منافع شخصی بر منافع جمعی.
		پاسخگویی
پایش راهبردی	پایش راهبردی	اقدامات مدیران روستا جهت توسعه کالبدی، تلاش لازم برای همکاری با بنیاد مسکن جهت بهبود وضعیت کالبد روستا، سرمایه‌گذاری جهت بهبود وضعیت کالبدی، افزایش مهارت جهت افزایش سطح کیفی کالبد روستا، حرکت از سوی خودکامگی به سمت مشارکت، اقدامات بر مبنای دانش و آگاهی، پایبندی به قوانین، عرف و سنت‌های روستا.
		تهیه برنامه کوتاه‌مدت و بلندمدت برای کالبد روستا، داشتن دید واقع‌بینانه و آینده‌نگر نسبت به روستا، تلاش برای حل مشکلات روستا، هدف‌گزینی مناسب در جهت توسعه کالبدی روستا، تلاش برای بهبود وضعیت کالبد روستا، آشنایی با قوت‌ها و توانمندی روستاها، آشنایی بانقاط ضعف روستا، آشنایی با فرصت‌ها و تهدیدات روستا.

منبع: یافته‌های تحقیق با استفاده از منابع در دسترس (عظیمی آملی، ۱۳۹۰؛ دربان آستانه، ۱۳۸۹؛ مؤذن، ۱۳۹۱؛ فتاحی، ۱۳۸۹؛ پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰؛ عینالی و همکاران، ۱۳۹۳؛ سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۴؛ عینالی، ۱۳۹۴).

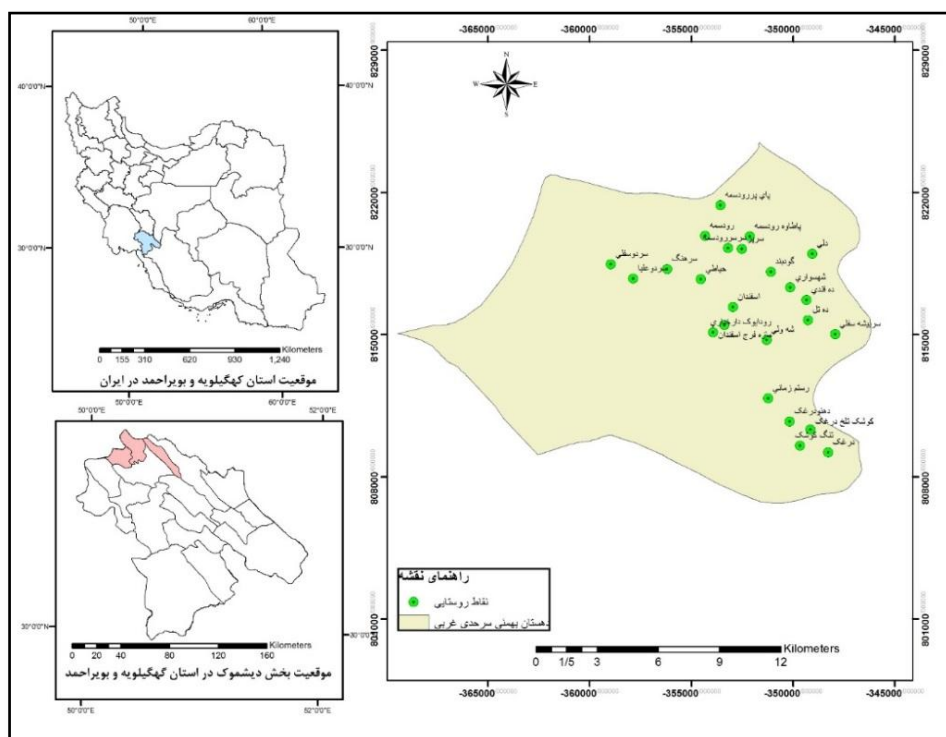
۲- به دست آوردن ماتریس بی‌مقیاس موزون (V): ماتریس بی‌مقیاس شده (N) را در ملتریس قطری وزن‌ها ($W_{n \times n}$) ضرب می‌کنیم، یعنی:

$$V = N \times W_{n \times n} \quad (1)$$

۳- تعیین راه‌حل ایده‌آل مثبت و راه‌حل ایده‌آل منفی:

جدول ۳- روایی و پایایی شاخص های تحقیق

ضریب آلفای کرونباخ	شاخص	متغیر	ضریب آلفای کرونباخ	شاخص	متغیر
۰/۷۷۰	رعایت اصول و ضوابط فنی	آسیب پذیری کالبدی	۰/۸۲۰	مشارکت	حکمروایی خوب روستایی
۰/۷۳۵	استحکام بنا		۰/۷۷۰	قانون مداری	
۰/۸۴۰	انتخاب مصالح		۰/۸۳۰	شفافیت	
۰/۷۷۰	مدیریت و نظارت		۰/۷۴۰	اجماع گرایی	
۰/۷۳۰	آسایش در مسکن		۰/۷۸۵	مسئولیت پذیری	
۰/۸۱۰	همجواری با کاربری های سازگار و ناسازگار		۰/۸۲۵	عدالت و برابری	
۰/۷۲۵	تسهیلات زیرساختی و ساختمانی		۰/۷۷۵	پاسخ گویی	
۰/۷۸۰	کل		۰/۸۱۵	کارایی و اثربخشی	
			۰/۷۳۰	بینش راهبردی	
			۰/۷۹۰	کل	



شکل ۱- موقعیت محدوده مورد مطالعه

$$(2) \quad [\text{بردار بهترین مقادیر هر شاخص ماتریس } V] = \text{راه حل ایده آل مثبت } (V_j^+)$$

$$[\text{بردار بدترین مقادیر هر شاخص ماتریس } V] = \text{راه حل ایده آل منفی } (V_j^-)$$

۴- به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایده آل مثبت و منفی :
 فاصله اقلیدسی هر گزینه از ایده آل مثبت (d_j^+) و فاصله هر گزینه تا ایده آل منفی (d_j^-) ، بر اساس فرمول‌های زیر حساب می‌شود.

$$d_j^+ = \sqrt{\sum_{i=1}^n (V_{ij} - V_j^+)^2}, \quad I = 1 \quad (3)$$

$$d_j^- = \sqrt{\sum_{i=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2}, \quad i = 1, 2, \dots, m \quad (4)$$

۵- تعیین نزدیکی نسبی (CL^*) یک گزینه به راه حل ایده آل:

$$CL^* = \frac{d_j^-}{d_j^- + d_j^+} \quad (5)$$

۶- رتبه‌بندی گزینه‌ها: هر گزینه‌ای که CL آن بزرگتر باشد، بهتر است.

نتایج و بحث

در این قسمت، با بهره‌گیری از اطلاعات به دست آمده، به بیان آمار توصیفی ویژگی‌هایی از قبیل نوع واحدهای مسکونی، قدمت بناهای مسکونی، استحکام بنا و انواع بیمه‌های مسکن پرداخته شده است. بر اساس اطلاعات به دست آمده، بیش از ۷۳ درصد مساکن ناحیه مورد مطالعه قدمتی بیش از ۱۰ سال و ۲۷ درصد از بناها کمتر از ۱۰ سال قدمت دارند و به نوعی فرسوده و آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند.

جدول ۴- فراوانی و درصد قدمت بناهای مسکونی

جمع	۴۰ سال بیشتر	۴۰ سال تا ۳۱ سال				تعداد
		۳۱ تا ۲۱ سال	۲۱ تا ۱۱ سال	۱۱ تا ۱۰ سال	زیر ۱۰ سال	
۳۰۰	۵	۸	۵۰	۱۵۶	۸۱	تعداد
۱۰۰	۱/۷	۲/۷	۱۶/۶	۵۲	۲۷	درصد

همچنین مساکن متعلق به محدوده مورد مطالعه به لحاظ برخورداری از استحکام بنا، ۷۹ درصد از مساکن فاقد استحکام بنا بوده و تنها ۲۱ درصد دارای استحکام بنا هستند.

بر اساس اطلاعات به دست آمده از نوع واحدهای مسکونی در سطح روستاهای مورد مطالعه، تنها ۳/۳۱ درصد از مساکن روستایی مورد مطالعه نوساز بوده و حدود ۶۸/۷ درصد از واحدهای مسکونی از نوع مرمتی و تخریبی می‌باشند.

جدول ۵- فراوانی و درصد برخورداری بنا از استحکام

	جمع	فاقد استحکام	داری استحکام	تعداد
	۳۰۰	۲۳۷	۶۳	
درصد	۱۰۰	۷۹	۲۱	

جدول ۶- فراوانی و درصد نوع واحدهای مسکونی در روستاهای مورد مطالعه

	جمع	تخریبی	مرمتی	نوساز	تعداد
	۳۰۰	۳۹	۱۶۷	۹۶	
درصد	۱۰۰	۱۳	۵۵/۷	۳۱/۳	

برخورداری از پشتیبانی و احساس آرامش و آسایش از شاخص‌های مهم در کاهش آسیب‌پذیری کالبدی می‌باشد. یکی از این پشتیبان‌ها، انواع بیمه مسکن می‌باشد. نتایج به‌دست‌آمده در سطح روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از واحدهای مسکونی، تحت حمایت هیچ نوع بیمه‌ای نمی‌باشند.

جدول ۷- فراوانی و درصد انواع بیمه‌های مسکن در سطح روستاهای مورد مطالعه

	هیچ‌کدام	آتش‌سوزی	کیفیت ساختمان	زلزله	نوع بیمه
فراوانی	۳۰۰	۰	۰	۰	
درصد	۱۰۰	۰	۰	۰	

در ابتدا، جهت تحلیل وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب در سطح روستاهای مورد مطالعه از آزمون t تک نمونه‌ای، مطابق جدول (۸) استفاده شده است. طبق نتایج به‌دست‌آمده (سطح معنی‌داری و کران‌های بالا و پایین)، همه شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی در روستاهای مورد مطالعه پایین‌تر از حد متوسط ۳ می‌باشد. از سوی دیگر سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده در آزمون آماری T نشان‌دهنده این نکته است که همه شاخص‌ها معنی‌دار بوده و وضعیت حکمروایی خوب روستایی در محدوده مورد بررسی از مطلوبیت مناسبی برخوردار نیست (جدول ۸). این امر می‌تواند نشأت گرفته از بافت سنتی و روابط قومی و طایفه‌ای باشد که هم‌چنان در جامعه روستایی پابرجاست و مدیریت نوین روستایی (شورا و دهیاری) هر چند صاحب قدرت می‌باشد ولی از اقتدار برخوردار نیست. عدم وجود زمینه‌های مشارکت و تضاد منافع روستاییان نیز مانع از شکل‌گیری اجماع محوری، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی شده است.

جدول ۹ نیز نشان‌دهنده مقایسه میانگین هر یک از مؤلفه‌های بعد کالبدی می‌باشد و مؤید این نکته است که همه شاخص‌های آسیب‌پذیری کالبدی معنی‌دار بوده و مساکن روستاهای مورد مطالعه به لحاظ معیارهایی چون اصول و ضوابط فنی، مصالح، استحکام، مدیریت و نظارت، دسترسی به زیرساخت‌ها و غیره از حد متوسط پایین‌تر می‌باشد. این امر ناشی از عدم توانایی مالی و اجرایی دهیاری‌ها در اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها و هم‌چنین ساختار اقتصادی محدوده مورد مطالعه می‌باشد که دارای اقتصادی ضعیف و شکننده برپایه کشاورزی بوده و حالت خودبسندگی دارد که برآورده کردن نیازهای روزمره در اولویت است.

جدول ۸- بررسی وضعیت شاخص‌های حکمروایی خوب در روستاهای مورد مطالعه با استفاده از آزمون t تک‌نمونه‌ای

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	میزان معنی‌داری	اختلاف میانگین‌ها در سطح ۹۵٪	
						پایین	بالا
مشارکت	۲/۵۱	۰/۵۰	-۱۶/۴۰	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۴۸	-۰/۴۲
پاسخگویی	۲/۷۵	۰/۵۷	-۷/۳۳	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۴	-۰/۱۷
مسئولیت-پذیری	۲/۶۹	۰/۷۳	-۷/۱۷	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۰	-۰/۲۱
توافق جمعی	۲/۶۲	۰/۵۹	-۱۰/۸۴	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۷	-۰/۳۰
عدالت و برابری	۲/۸۶	۰/۴۶	-۵/۱۸	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۱۳	-۰/۰۸
شفافیت	۲/۷۱	۰/۶۹	-۷/۱۱	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۸	-۰/۲۰
قانون‌مداری	۲/۰۸	۰/۸۵	-۱۸/۵۳	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۹۱	-۰/۸۲
کارایی و اثربخشی	۲/۷۰	۰/۵۰	-۱۰/۰۶	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۲۹	-۰/۲۳
بینش راهبردی	۲/۱۰	۰/۸۲	-۱۸/۶۲	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۸۹	-۰/۷۹
حکمروایی کل	۲/۵۸	۰/۳۱	-۲۲/۵۳	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۴۱	-۰/۳۷

جدول ۹- آزمون T نمونه برای شاخص‌های آسیب‌پذیری

شاخص‌ها	میانگین	انحراف معیار	آماره T	درجه آزادی	میزان معنی‌داری	اختلاف میانگین‌ها در سطح ۹۵٪	
						پایین	بالا
رعایت اصول و ضوابط فنی	۲/۱۷	۰/۴۸	-۲۹/۸۴	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۸۲	-۰/۷۷
انتخاب مصالح	۲/۳۵	۰/۷۸	-۱۴/۱۵	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۶۴	-۰/۵۵
استحکام بنا	۲/۱۶	۰/۹۱	-۱۵/۸۳	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۸۳	-۰/۷۳
مدیریت و نظارت	۲/۶۸	۰/۸۹	-۶/۱۶	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۱	-۰/۲۱
آسایش در مسکن	۲/۴۶	۰/۹۲	-۹/۹۵	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۵۳	-۰/۴۲
همجواری با کاربری‌ها	۲/۳۵	۰/۷۶	-۱۴/۱۷	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۶۵	-۰/۵۶
دسترسی به زیرساخت‌ها	۲/۱۵	۰/۸۳	-۱۷/۵۲	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۸۴	-۰/۷۵
آسیب‌پذیری کل	۲/۳۵	۰/۳۹	-۲۸/۲۹	۲۹۹	۰/۰۰۰	-۰/۶۴	-۰/۵۹

با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های آماری T تک‌نمونه‌ای در ارتباط با بررسی میانگین هر یک از مؤلفه‌های

آسیب‌پذیری کالبدی و هم‌چنین حکمروایی خوب روستایی، روستاهای مورد مطالعه به لحاظ حکمروایی خوب روستایی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد. هم‌چنین شاخص‌های آسیب‌پذیری کالبدی نیز وضعیت مناسبی نداشته و از کیفیت مناسبی برخوردار نیستند. با این وجود تغییرات و تفاوت‌هایی بین روستاهای مورد مطالعه هم به لحاظ حکمروایی خوب و هم به لحاظ آسیب‌پذیری کالبدی وجود دارد. برای مشخص کردن این تغییرات از مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره تاپسیس استفاده شد تا تفاوت‌های حکمروایی خوب و آسیب‌پذیری کالبدی بین نقاط روستایی مشخص شود. زیرا مشخص شدن این تفاوت‌ها می‌تواند اولاً شناخت بهتری از منطقه به دست دهد، دوماً امکان بهبود شرایط کالبدی و مدیریتی روستاهای مورد نظر را از سوی برنامه‌ریزان و مدیران با مشارکت مردم فراهم می‌آورد. بدین منظور ابتدا ماتریس خام مربوط به متغیرهای تحقیق برای هر کدام از روستاهای مورد مطالعه تهیه گردید و استانداردسازی بهترین‌ها و بدترین‌های تابع برای همه مقادیر مورد محاسبه قرار گرفت. در گام بعدی برای بیان اهمیت نسبی شاخص‌ها، وزن نسبی آن‌ها تعیین گردید. بدین منظور روش‌های گوناگون، مانند AHP، آنتروپی شانون و مدل فولر وجود دارد که متناسب با نیاز می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. در پژوهش حاضر، از روش AHP برای تعیین وزن شاخص‌ها استفاده شده است. وزن معیارهای پیشنهادی توسط ۳۰ نفر از متخصصان، کارشناسان و مدیران (اساتید دانشگاه در زمینه مدیریت روستایی و برنامه‌ریزی کالبدی، فرمانداری و بخش‌داری) مرتبط تعیین و محاسبه شده و به هر شاخص تخصیص داده شده است.

جدول ۱۰- وزن شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی و آسیب‌پذیری کالبدی

شاخص	وزن	شاخص	وزن	شاخص	وزن	شاخص	وزن
مشارکت	۰/۱۳۱	مسئولیت‌پذیری	۰/۰۷۸	بینش راهبردی	۰/۰۲۶	مدیریت نظارت	۰/۱۸۹
قانون مداری	۰/۱۰۵	عدالت و برابری	۰/۱۰۵	رعایت اصول و ضوابط فنی	۰/۳۳۶	آسایش در مسکن	۰/۰۵۱
شفافیت	۰/۱۵۷	پاسخگویی	۰/۱۰۵	انتخاب مصالح	۰/۱۸۴	همجواری با کاربری های سازگار و ناسازگار	۰/۰۲۸
اجماع‌گرایی	۰/۱۰۵	کارایی و اثربخشی	۰/۱۸۴	استحکام بنا	۰/۱۵۹	تسهیلات ساختمانی و زیرساختی	۰/۰۴۹

نتایج حاصله از مدل تاپسیس در جدول ۱۱ آورده شده است.

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که در بین روستاهای مورد مطالعه روستای درغک بالاترین رتبه در وضعیت حکم-روایی و آسیب‌پذیری کالبدی را دارد. اولاً این روستا بزرگ‌ترین روستای محدوده مورد مطالعه می‌باشد و به دلیل واقع-شدن در مسیر جاده اصلی و هم‌چنین تعداد بالای روستاییان تحصیل کرده در مقاطع تحصیلی بالا هم به لحاظ آموزش و هم به لحاظ درآمد در سطح بهتری بوده لذا بهترین رتبه را در بین روستاهای مورد مطالعه دارد. روستاهای مورد مطالعه به لحاظ حکمروایی در سه سطح دسته‌بندی شده‌اند که سطح اول حکمروایی خوب، سطح دوم حکمروایی متوسط و سطح سوم حکمروایی ضعیف می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از روستاها در سطح حکمروایی خوب واقع نشده‌اند. سه روستای اسفندان و درغک و تنگ‌کوشک به دلیل جمعیتشان و مرکزیت نسبت به روستاهای اطراف در سطح دوم قرار گرفته‌اند و دارای وضعیت مدیریت متوسط می‌باشند. ۱۳ روستای دیگر در سطح سوم واقع شده‌اند

(شکل ۲).

جدول ۱۱- رتبه بندی و سطح بندی روستاهای مورد مطالعه به لحاظ حکمروایی خوب و آسیب پذیری کالبدی

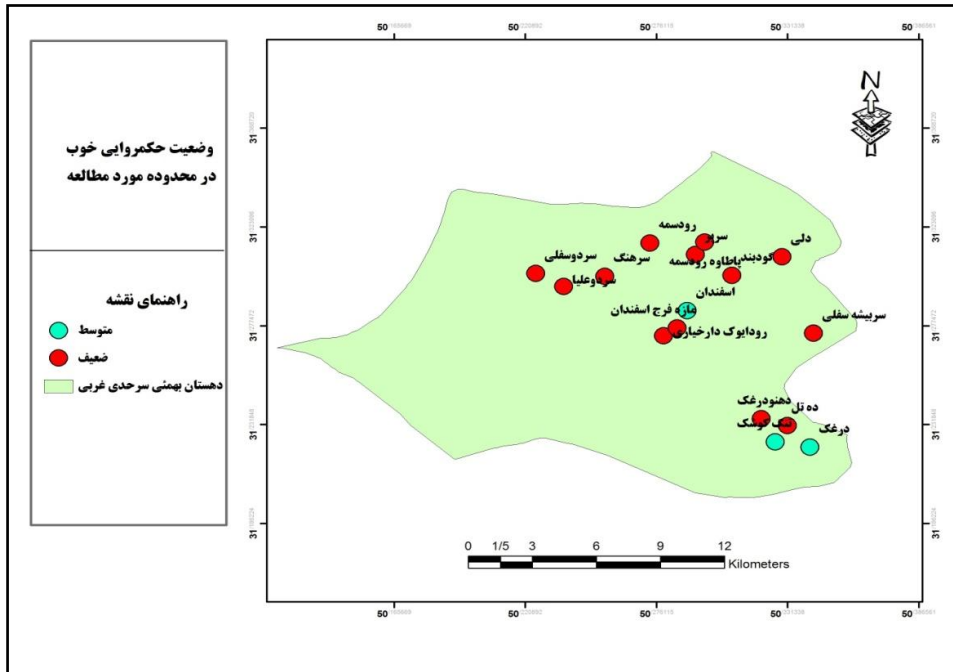
نام روستا	مقدار CI	رتبه	وضعیت	نام روستا	مقدار CI	رتبه	وضعیت
اسفندان	۰/۵۶۰	۳	متوسط	اسفندان	۰/۷۶۶۸	۲	پایین
رودایوک	۰/۳۱۸	۱۰	ضعیف	رودایوک	۰/۳۳۰۸	۷	بالا
سردو سفلی	۰/۳۴۹	۶	ضعیف	سردو سفلی	۰/۲۸۰۴	۸	بالا
سردو علیا	۰/۳۴۴	۷	ضعیف	سردو علیا	۰/۲۷۶۹	۹	بالا
تنگ کوشک	۰/۵۷۱	۲	متوسط	تنگ کوشک	۰/۶۳۰۹	۳	پایین
درغک	۰/۵۹۷	۱	متوسط	درغک	۰/۷۸۰۹	۱	پایین
دلی	۰/۳۲۷	۱۱	ضعیف	دلی	۰/۱۹۴۴	۱۱	بسیار بالا
ده تل	۰/۳۱۴	۱۲	ضعیف	ده تل	۰/۱۹۲۵	۱۲	بسیار بالا
گود بند	۰/۳۳۰	۹	ضعیف	گود بند	۰/۱۹۰۲	۱۳	بسیار بالا
سربیشه سفلی	۰/۲۹۸	۱۵	ضعیف	سربیشه سفلی	۰/۲۳۴۳	۱۰	بالا
فرج آباد	۰/۳۱۱	۱۴	ضعیف	فرج آباد	۰/۳۲۱۳	۶	بالا
سرپر	۰/۳۹۸	۴	ضعیف	سرپر	۰/۱۰۲۱	۱۵	بسیار بالا
سرهنگ	۰/۲۷۸	۱۶	ضعیف	سرهنگ	۰/۳۴۲۷	۵	بالا
پاٹوه	۰/۳۱۴	۱۳	ضعیف	پاٹوه	۰/۱۳۲۹	۱۴	بسیار بالا
رودسمه	۰/۳۴۱	۸	ضعیف	رودسمه	۰/۰۹۸۱	۱۶	بسیار بالا
دهنو	۰/۳۵۶	۵	ضعیف	دهنو	۰/۴۰۹۱	۴	بالا

حکمروایی خوب روستایی

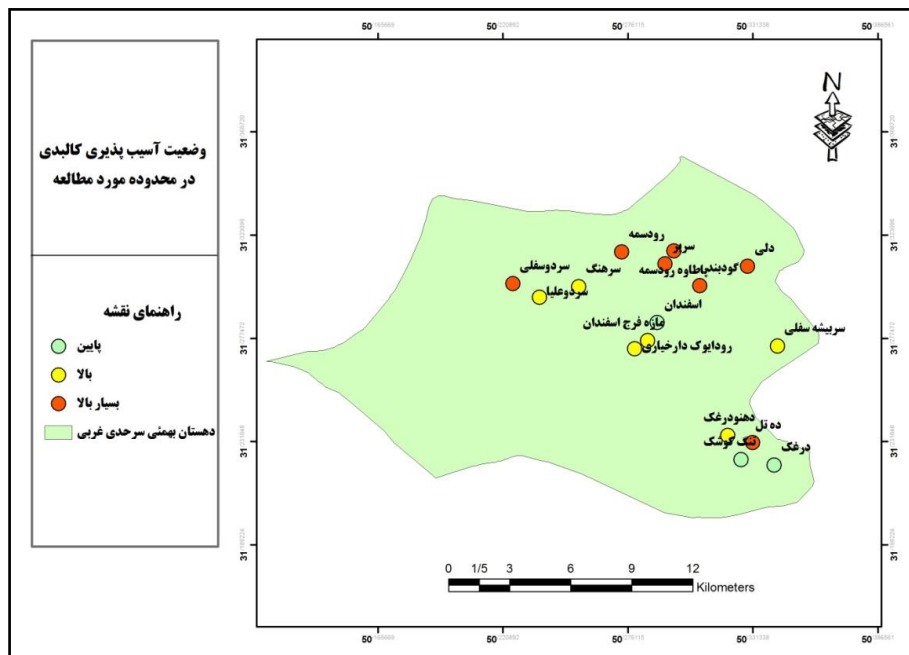
آسیب پذیری کالبدی

به لحاظ آسیب پذیری کالبدی روستای درغک بهترین وضعیت در بین روستاهای مورد مطالعه قرار دارد. روستاهای اسفندان و تنگ کوشک در رتبه های بعدی قرار دارند. روستای رودسمه به دلیل واقع شدن در مسیر رودخانه، عدم راه ارتباطی مناسب، صعب العبور بودن منطقه از بیشترین آسیب پذیری برخوردار است. آسیب پذیری روستاهای مورد مطالعه نیز در سطح به ترتیب آسیب پذیری بسیار پایین، پایین، متوسط، بالا و خیلی بالا تقسیم شده است. هیچ کدام از روستاها در سطح بسیار پایین قرار ندارند. سه روستای درغک، تنگ کوشک و اسفندان در سطح آسیب پذیری پایین، روستای دهنو در سطح متوسط، روستاهای رود ایوک، سردو سفلی، سردو علیا، فرج آباد، سربیشه سفلی، سرهنگ در سطح آسیب پذیری بالا و روستاهای دلی، ده تل، گود بند، سرپر، رودسمه، پاٹوه رودسمه در سطح آسیب پذیری بسیار بالا واقع شده اند (شکل ۳).

تحلیل ناپارامتری همبستگی میان مجموع شاخص های حکمروایی خوب روستایی و شاخص های آسیب پذیری مسکن به وجود رابطه مستقیم و مثبت دلالت دارد. به طوری که با توجه به میزان همبستگی بالا (۰/۷۵۷) هر چه شاخص های حکمروایی خوب بهبود یابد به همان میزان شاخص های آسیب پذیری نیز بهبود خواهد یافت و مدیریت محلی مبتنی بر حکمروایی خوب می تواند به کاهش آسیب پذیری در محدوده مورد مطالعه کمک نماید.



شکل ۲ - وضعیت حکمروایی خوب روستایی در محدوده مورد مطالعه



شکل ۳ - وضعیت آسیب پذیری کالبدی

جدول ۱۲- تحلیل همبستگی حکمروایی خوب روستایی (متغیر مستقل) و توسعه کالبدی (متغیر وابسته)

مؤلفه‌ها	آزمون پیرسون	حکمروایی خوب روستایی	آسیب پذیری کالبدی
حکمروایی خوب روستایی	ضریب همبستگی معنی‌داری	۱ -----	.۷۵۷ .۰۰۱
آسیب‌پذیری کالبدی	ضریب همبستگی معنی‌داری	.۷۵۷ .۰۰۱	۱ -----

با بهره‌گیری از مدل تحلیل رگرسیونی چندگانه، توأم مقادیر و سهم اثرگذاری شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی بر کاهش آسیب‌پذیری کالبدی معین گردید. نتایج نشان می‌دهد که هر چه مقدار B و BETA بیشتر باشد اثرگذاری بیشتر متغیر مستقل بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. براساس نتایج به‌دست‌آمده (جدول ۱۳) شاخص‌های کارایی و اثربخشی (۰/۴۱۵)، شاخص قانون‌مداری (۰/۳۵۴) مسئولیت‌پذیری (۰/۳۲۰) مشارکت (۰/۲۲۲)، شفافیت (۰/۱۹۳)، توافق جمعی (۰/۰۶۴)، بینش راهبردی (۰/۰۵۸) به ترتیب بیش‌ترین اثرگذاری بر کاهش آسیب‌پذیری کالبدی را دارند. شاخص‌های پاسخگویی و عدالت و برابری نیز معنی‌دار نبوده و اثرگذاری بر کاهش آسیب‌پذیری کالبدی ندارند.

جدول ۱۳- تحلیل رگرسیون چندمتغیره تأثیر هر یک از شاخص‌های متغیر مستقل بر متغیر وابسته

متغیر مستقل	تعداد	B	خطای B	ضرایب استاندارد شده	T	سطح معنی‌داری
مشارکت	۳۰۰	۰/۷۱۱	۰/۰۷۸	۰/۲۲۲	۹/۰۶۷	۰/۰۰۰
پاسخگویی	۳۰۰	۰/۰۱۴	۰/۰۴۳	۰/۰۰۷	۰/۳۲۰	۰/۷۴۹
مسئولیت‌پذیری	۳۰۰	۱/۱۸۹	۰/۰۷۹	۰/۳۲	۱۴/۹۸۸	۰/۰۰۰
توافق جمعی	۳۰۰	۰/۰۸۴	۰/۰۳۰	۰/۰۶۴	۲/۷۷	۰/۰۰۶
عدالت و برابری	۳۰۰	۰/۰۶۷	۰/۰۳۴	۰/۰۳۹	۱/۹۵۳	۰/۰۵۲
شفافیت	۳۰۰	۱/۳۹۵	۰/۱۵۶	۰/۱۹۳	۸/۹۳۲	۰/۰۰۰
قانون‌مداری	۳۰۰	۱/۰۷۴	۰/۰۶۲	۰/۳۵۴	۱۷/۲۴۷	۰/۰۰۰
کارایی و اثربخشی	۳۰۰	۱/۴۳۲	۰/۰۸۲	۰/۴۱۵	۱۷/۴۷۵	۰/۰۰۰
بینش راهبردی	۳۰۰	۰/۰۷۹	۰/۰۲۷	۰/۰۵۸	۰۲/۸۷۸	۰/۰۰۴

نتیجه‌گیری

مفهوم حکم‌روایی به ارتباط میان کنشگران مختلف (دولت، جامعه‌مدنی و بخش خصوصی) و نحوه تصمیم‌گیری مربوط می‌شود. این مفهوم در مناطق روستایی بر همکاری و مشارکت بخش‌های مختلف، یک‌کاسه‌شدن سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در محیط‌های روستایی و هم‌چنین افزایش مشارکت روستاییان، افزایش توانمندی جامعه روستایی، استفاده بهتر از منابع و امکانات و به‌حرکت‌درآوردن ظرفیت‌های محلی اشاره دارد. با توجه به یافته‌های نظری تحقیق می‌توان گفت که حکمروایی خوب، قابلیت ایجاد یک محیط روستایی قابل زیست، پویا، سالم از نظر محیطی و اجتماعی را دارد. علاوه بر این نکته، مدیریت توسعه کالبدی مبتنی بر حکم‌روایی خوب روستایی برای نظم‌دهی و

تعادل بین فضا، افراد و طبیعت، کارسازتر از سایر مدیریت‌های روستایی بوده که از طریق مشارکت و هم‌گرایی و دوری از تفرق می‌تواند زمینه‌ساز توسعه کالبدی پایدار و به‌دنبال آن کاهش آسیب‌پذیری کالبدی در روستاهای نمونه در همه ابعاد باشد. با توجه به این موضوع و اشاره به این که توسعه امری است بومی و متناسب با خصیصه‌های مکانی- فضایی سکونتگاه‌های انسانی، باید اختیارت از حکومت به خود مردم و مدیران محلی تفویض شود. افزون بر این، مدیریت غیرمتمرکز و چندسطحی همراه با سازماندهی مردم روستایی در تشکل و سازمان‌های مردم‌نهاد نهایتاً به حکمروایی خوب روستایی منجر می‌شود. با شکل‌گیری حکمروایی خوب و ایجاد مدیریت مشارکتی و غیرمتمرکز، توانایی‌ها، خلاقیت‌ها و استعداد‌های افراد و جامعه روستایی شکوفا می‌شود و به منصف‌ظهور می‌رسد. این امر موجب پایداری اجتماعی، اقتصادی و محیطی می‌شود و درنهایت در بعد کالبدی منجر به توسعه کالبدی می‌شود. با توجه به این مطلب سیاست‌های مربوط به توسعه محلی و توسعه در قالب حکمروایی خوب قابل طرح است که بر مبنای مشارکت حداکثری روستاییان، مشروعیت، حمایت از مشارکت مردم روستایی در قالب تشکل‌های مردمی تحقق می‌یابد. وجود محیط روستایی پایدار در ابعاد سه‌گانه نیازمند یک مدیریت قوی و کارآمد است که به نظر می‌رسد مدیریت محلی مبتنی بر حکمروایی خوب روستایی می‌تواند چنین نقشی را بر عهده بگیرد چرا که هدف الگوی حکم-روایی خوب روستایی افزایش سطح کیفیت محیط روستایی و همچنین افزایش سطح زندگی روستاییان از جنبه‌های مختلف مادی و معنوی و همچنین تلاش برای رفع نیازهای اساسی و اولیه روستاییان است. ولی نتایج تجربی حاصل از تحقیق نشان می‌دهد که همه شاخص‌های حکمروایی خوب روستایی و همچنین شاخص‌های آسیب‌پذیری کالبدی در محدوده مورد مطالعه از وضعیت نامناسبی برخوردار هستند. این امر به دلیل بافت ناهمگن قومی قبیله‌ای در سطح دهستان، حفظ ساختارهای سنتی، عدم مشروعیت و اقتدار شورا و دهیاری به‌عنوان نیروی دولتی و یکی از بازیگران عرصه حکمروایی خوب و مدیریت کالبدی روستا، پایین بودن آگاهی و سطح دانش عمومی، تضاد منافع قومی و ایلی، ضعف اقتصادی منطقه، ضعف زیرساخت‌های جاده‌ای و حمل‌ونقل، بن‌بست بودن منطقه و دسترسی سخت به بسیاری از روستاها و غیره منجر به عدم توسعه و شکل‌گیری مطلوب حکمروایی خوب و مدیریت روستایی در سطح دهستان و همچنین بافت و کالبد آسیب‌پذیر شده است.

نتایج نشان می‌دهد که روستاهای مورد مطالعه به لحاظ حکمروایی خوب و مدیریت محلی در دو سطح متوسط با سه روستا و سطح ضعیف با ۱۳ روستا پراکنده شده‌اند. روستای درغک دارای بهترین وضعیت و روستای سرهنگ بدترین وضعیت را دارند. به لحاظ آسیب‌پذیری کالبدی نیز روستاهای مورد مطالعه در چهار سطح توزیع شده‌اند که روستاهای درغک، تنگ کوشک و اسفندان در سطح آسیب‌پذیری پایین، روستای دهنو در سطح متوسط، روستاهای رود ایوک، سردو سفلی، سردو علیا، فرج آباد، سریشه سفلی، سرهنگ در سطح آسیب‌پذیری بالا و روستاهای دلی، ده تل، گود بند، سرپر، رودسمه، پاتاوه رودسمه در سطح آسیب‌پذیری بسیار بالا واقع شده‌اند. روستای درغک بهترین وضعیت و روستای رودسمه بدترین وضعیت را به لحاظ آسیب‌پذیری کالبدی دارند. نتیجه پژوهش حاضر بر این نکته تأکید دارد که بین حکمروایی خوب روستایی و توسعه کالبدی رابطه مستقیم و شدید وجود دارد و با بالا رفتن سطح مدیریت محلی (حکمروایی خوب) سطح توسعه کالبدی نیز بهبود خواهد یافت. نتایج حاصل از آزمون پیرسون نشان می‌دهد که این رابطه به صورت مستقیم و مثبت است. همچنین آزمون رگرسیون چندگانه نشان داد که حکمروایی خوب در صورت عملی شدن و بهبود می‌تواند بر بهبود شاخص‌های آسیب‌پذیری اثرگذار بوده و محیط پایداری را به

لحاظ کالبدی فراهم آورد. بر اساس نتایج حاصله، می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه نمود:

فراهم آوردن زمین‌های اشتغال در روستاها، فراهم‌آوردن زمین‌های مشارکت مردم و نهادهای محلی در ساخت-وساز مسکن روستایی، آگاه ساختن جامعه روستایی از نظام فنی و تشویق آنان به اجرای نظام فنی، تفویض اختیار و قدرت بیشتر به دهیاری‌ها، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی مردم و نهادهای محلی در توسعه مسکن.

منابع

- اسفرم، ی. ۱۳۹۳. نقش حکمروایی خوب روستایی در توسعه کالبدی (مطالعه موردی: دهستان بهمنی سرحدی غربی). پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- بدری، س.ع.، رکن‌الدین افتخاری، ع. و سجاسی‌قیداری، ح. ۱۳۹۰. نظام مدیریت برنامه‌ریزی توسعه کالبدی (ارائه الگوی جدید براساس نظریه نهادسازی). مجموع مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی: مسکن و بافت نظام حکمروایی روستایی: ۵۹-۸۶.
- بدری، س.ع.، اکبریان‌رونیزی، س. و قصابی، م. ۱۳۹۲. نقش مدیریت محلی در توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (شهرستان آران و بیدگل). پژوهش‌های روستایی، ۴(۲): ۲۴۹-۲۷۶.
- پورطاهری، م. و نقوی، م. ۱۳۹۱. توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با رویکرد توسعه پایدار، مفاهیم، نظریه‌ها، راهبردها، مسکن و محیط روستا، ۱۳۷: ۵۳-۷۰.
- پورطاهری، م.، رکن‌الدین افتخاری، ع. و بدری، س.ع. ۱۳۹۰. راهبردها و سیاست‌های توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی در ایران. اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا، ۹-۸ مهر، زاهدان.
- پورطاهری، م.، رکن‌الدین افتخاری، ع. و عباسی، م. ۱۳۹۱. ارزیابی عملکرد طرح‌های هادی روستایی در توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی (مطالعه موردی: روستاهای نبوت و خوران شهرستان ایوانغرب). جغرافیا و پایداری محیط، ۵(۲): ۲۵-۳۶.
- دربان‌آستانه، ع. ۱۳۸۹. تبیین حکمروایی روستایی در حکومت محلی (مطالعه موردی: شهرستان قزوین). رساله دوره دکتری. دانشگاه تهران.
- دربان‌آستانه، ع. و رضوانی، م.ر. ۱۳۹۰. تبیین عوامل مؤثر بر حکمروایی روستایی در حکومت‌های محلی، مطالعه موردی: شهرستان قزوین. مدیریت شهری، ۲۸: ۱۷۹-۱۹۸.
- رکن‌الدین افتخاری، ع.، عظیمی‌آملی، ج.، پورطاهری، م. و احمدی‌پور، ز. ۱۳۹۱. ارائه الگوی مناسب حکمروایی خوب روستایی در ایران. ژئوپلیتیک، ۲۶: ۱-۲۸.

رحمانی‌فضلی، ع.، صادقی، م. و علیپوریان، ج. ۱۳۹۳. بنیان‌های نظری حکمروایی خوب در فرآیند مدیریت روستایی نوین. مدیریت شهری، ۳۷: ۴۳-۵۴.

ریاحی، و. و کرمی‌نسب، ص. ۱۳۹۲. ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در توسعه کالبدی فضایی سکونتگاه‌های روستایی (بخش کردیان شهرستان جهرم). برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۳ (۱۲): ۶۱-۷۰.

عظیمی‌آملی، ج. و رکن‌الدین افتخاری، ع.ر. ۱۳۹۳. حکمروایی روستایی (مدیریت توسعه پایدار). چاپ اول انتشارات سمت، تهران، ۳۲۴ ص.

سجاسی‌قیداری، ح.، صادقلو، ط. و محمودی، ح. ۱۳۹۴. ارزیابی و تحلیل کیفیت مسکن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: دهستان کنویست شهرستان مشهد). پژوهش‌های روستایی، ۱ (۴): ۱۳۳-۱۴۸.

عظیمی‌آملی، ج. ۱۳۹۰. تحلیل حکمروایی خوب در پایداری روستاها (مورد مطالعه: روستاهای استان مازندران)، پایان‌نامه دوره دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.

علوی، س.ع.، احمدآبادی، ع.، مولائی‌قلیچی، م.، پاتو، و. و برهانی، ک. ۱۳۹۲. مکان‌گزینی مناسب بیمارستان‌های شهری با استفاده از تکنیک‌های تلفیقی تحلیلی تصمیم‌گیری چندمعیاره و تحلیل‌های فضایی سیستم اطلاعات جغرافیایی، مطالعه موردی: منطقه ۷ شهر تهران. بیمارستان، ۲ (۱۲): ۱۸-۹.

علی‌الحسابی، م. و عبدمجیری، ا. ۱۳۸۹. تأثیر مدیریت روستایی بر کالبد روستا (روستاهای اربابی استان خراسان)، مجموع مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی. مسکن و بافت نظام حکمروایی روستایی، ۲۸ و ۲۹ بهمن، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

عینالی، ج. ۱۳۹۴. تحلیلی بر عوامل مؤثر در آسیب‌پذیری مسکن روستایی در برابر سانحه زلزله (مطالعه موردی: دهستان سجاسرود- خدابنده استان زنجان). فضای جغرافیایی، ۴۷: ۱۴۴-۱۲۷.

عینالی، ج.، چراغی، م. و رومیانی، ا. ۱۳۹۳. ارزیابی نقش اعتبارات مسکن در کاهش آسیب‌پذیری کالبدی سکونتگاه‌های روستایی مطالعه موردی: دهستان بزینهرود- خدابنده استان زنجان). مجله مسکن و محیط، ۱۴۶: ۹۰-۷۷.

فتاحی، ا. ۱۳۸۹. سنجش کیفیت زندگی در مناطق روستایی مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.

نصیری، ا. ۱۳۹۴. ارزیابی عملکرد مدیریت ناحیه محوری بر کارآمدی حکمروایی مطلوب شهری، مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تهران. پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۲۱: ۱۵۶-۱۳۹.

مؤذن، س. ۱۳۹۱. ارزیابی الگوی مدیریت محلات مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری مطالعه موردی: اوین تهران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.

- Bardhan, P., SandipMitra, D. and Abhiru, S. 2008. political participation, clientelism and targeting of local government programs: Results from a Rural Household Survey in West Bengal, India. www.researchgate.net/publication/46449832.
- Barker, D. 2000. Local Governance: A Model of Sustainable Rural Resource Management for the Third world, *Int. J. Agriculture Resources, Governance and Ecology*. 1: 43-55.
- Carlsson, L. and Berkes, F. 2005. Co-management: concepts and methodological implications, *Environmental Management*, 75: 65-76.
- Elmenofi, G.A.G., El Bilali, H. and Berjan, S. 2014. Governance of rural development in Egypt, *Agricultural Science*, 59(2): 285-296.
- Furmankiewicz, M. and Macken-Walsh, A. 2016. Government within governance? Polish development partnerships through the lens of functional representation, *rural studies*, 46: 12-22.
- Gani. A. and Duncan, R. 2007. Measuring Good Governance Using Time Series. *Journal Of The Asia Pasific Economy*, 12: 367-385.
- Gross, M. and Zrobek, R. 2015. Good governanve in some public real estate management systems, *Land use Policy*, 49: 352-364.
- Kardos, M. 2012. The reflection of good governance in sustainable development strategies, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 58: 1166-1173.
- Long, H., Zou, J., Pykett, J. and Yurui, Li. 2011. Analysis of rural transformation development in China since the turn of the new millennium, *Applied Geography*, 31: 1094 -1105
- Morrison, T. H. 2014. Developing a regional governance index: the institutional potential of rural regions, *Rural studies*, 35: 101-111.
- Rist, S., Chidambaranathan, M., Escobar, C., Wiesmann, U. and Zimmermann, A. 2007. Moving from sustainable management to sustainable governance of natural resources: the role of social learning processes in rural India, Bolivia and Mali, *rural studies*, 23: 23-37.
- Yousaf, M., Ihsan, F. and Ellahi, A. 2016. Exploring the impact of good governance on citizens trust in Pakistan, *Government information Quarterly*, 33(1): 200-209.
- Zhang, X., Fan, S., Zhang, L. and Huang, J. 2002. *Local Governance and Public Goods Provision in Rural China*. Washington, D.C: International food policy Research Institute.

Analysis of the role of local management in reducing the physical vulnerability approach to good governance (Case Study: Bahmaei Sarahdi Gharbi rural district)

Hamdollah sojasi Qeydari^{1*}, Yaghoub esfaram² and Mahnaz rahbari³

Submitted: 18 December, 2016

Accepted: 31 July, 2017

Abstract

There are various aspects of rural management that need to be studied. One of the aspects that plays an effective role in the development process and strengthens the function of rural management is the analysis of the role of local management in the physical development and mitigation of the physical vulnerability of rural areas in accordance with sustainable development. The main objective of this study is to investigate local management and good governance to reduce physical vulnerability. For this purpose, 9 indicators of good governance and 7 indicators of physical vulnerability are required to analyze the role of local management to reduce the physical vulnerability. The analytical descriptive approach and quantitative data are used and the TOPSIS model, T-TEST test, Pearson test and multiple regression have been used. The results show that the studied area is not satisfactory in terms of governance and physical vulnerability. The findings of this research emphasize the point that there is an intense and direct relation between good governance for rural and physical development. If there is a low level of local rural management and good governance, there will be a low level of physical development. Multiple regression analysis also showed that if there is good governance, the indicators of vulnerability in terms of physical impact shall be improved and it will provide a stable environment. Some recommendations in this respect are informing the rural community of technical systems, delegation of authority and greater power to government agencies and local institutions in developing people's empowerment and extending the people's capacity to build housing.

Keywords: local management; good governance; physical vulnerability; Bahmaei sarhadi garbi Rural district

1 - Assistant prof, Geography and Rural Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

2 - PhD student in Geography and Rural Planning, shahid Beheshti University, Tehran , Iran

3 - PhD student in Geography and Rural Planning, shahid Beheshti University, Tehran, Iran

(*-Corresponding author Email: Ssojasi@um.ac.ir)

DOI: 10.22048/rdsj.2018.70269.1616